



یا کینویسن

گاهنامه علمی فرهنگی سیاسی هنری

صاحب امتیاز: دفتر بسیج دانشجویی شهرستان کاشمر

مدیر مسئول: علی اولیایی

سر دبیر: شورای سردبیران

شماره اول | آذرماه هزار و سیصد و نود و شش

زیاران عاشق حکایت کنیم...

به یاد ۱۶ آذرماه، روز دانشجو
سر آغاز حق خواهی و
استبداد ستیزی

۱۶ آذر متعلق به دانشجوی
ضد آمریکا و ضد سلطه است.
رهبر معظم انقلاب



۱۶ آذر متعلق به دانشجوی ضد آمریکا و ضد سلطه است.

مقام معظم رهبری مدظله العالی



ولی به یک پیروزی اخلاقی رسیدیم!

آفتاب داشت غروب می کرد. مرغ ها قدقد کنان می گفتند حسنک کجایی؟ چرخ نخ ریسی جیر جیر کنان گفت: حسنک کجایی؟ حتی گل های توی باغچه، پژمرده و نالان می گفتند حسنک کجایی؟ حسنک که تازه از راه رسیده بود رو کرد به مزرعه و گفت: «مگر نمی دانید که تحریمیم؟ کمی صبر کنید، گفته اند به زودی مشکل آب خوردنمان هم حل می شود.»

چوپان که رقص کنان با دو اسکناس در دستانش از کنار مزرعه حسنک رد می شد صدایش را بلندتر کرد و خواند: خر برفت و خر برفت و خر برفت.

حسنک با تعجب گفت: «این که تا دیروز مشکلتش گریه بود، چکار به خر دارد؟ حرف دهنش را هم نمی فهمد» حسنک همینطور که منتظر بود تابش و نور خورشیدی که قولش را داده بودند به گلپایش برسد، صدای کوکب خانم را شنید که داد می زد: «ذلیل مرده ها.. چیکار به پهن گاو های من دارید؟ کره ها را با تکان دادن مشک می گیریم، ساتنریتفوژم کجا بود؟»

حسنک داشت تغییرات درس کوکب خانم را در کتاب های درسی جدید چک می کرد، که یک نفر با سر انگشت هایی ساییده شده، گفت: اما سرعت عمل شما در چیدن سفره، مشکوک است پس اینجا پلمب می شود!

کوکب خانم داشت با فحش های پاستوریزه و هموزنیزه از مهمان های سر زده اش پذیرایی می کرد که دهقان از راه رسید. دهقان با دیدن فرغون های پر از سیمان، تصمیم به فداکاری گرفت و به صورت پیش فرض اول پیراهنش را در آورد و بعد که دید نیازی نیست، دوباره پوشید و گفت: م... که ناگهان یک آقای خودکار به دست گفت: مرتیکه خودتی و هفت جدت، برو به جهنم. و بعد رفت.

کوکب خانم و حسنک و دهقان کنار هم نشسته بودند و آه می کشیدند و می گفتند: «الافمون کردند»، که چوپان بشکن زنان آمد و گفت: «شنیدید که به یک پیروزی اخلاقی دست پیدا کردیم؟» حسنک سرش را بلند کرد و گفت: «از گله ات چه خبر؟» چوپان خنده اش روی لبهایش خشک شد. سر و کله ی یک نفر که هماهنگ شده بود پیدا شد. عکسش را گرفت و رفت تیتتر بزند: «شادی ملت». دهقان فداکار گفت: «در راه که می آمدم گرگ هایی که می گفتی را واقعا دیدم. سیر و راضی بودند.»



سخن مدیرمسئول



علی اولیایی

لیسانس نرم افزار کامپیوتر

پاک نویسی ۱۶ آذر! رانگه دزیره است

و اما بعد، مطابق فرهنگ فارسی معین پاکنویسی به آن چه از روی پیش نویسی یا چرکنویسی به صورت پاکیزه و خوانا نوشته می شود گفته میشود هرچند که بهتر میدانید لکن مقصود از انتخاب پاکنویسی برای این نشریه ی دانشجویی این بوده است که:

فارغ از بازی های سیاسی و جناح بندی و رنگ! و میزان شهریه و دانشگاه از چرک و چروک روزگار و باید و نباید هایمان و آرمان ها و آرزوهایمان بنویسیم منتهی خوانا و تمیز؛ که آرمان خواهی اولین فریضه ی دانشجو است!

اما کدام آرمان؟ اصلا من و شمای دانشجو غیر از درس خواندن - الکی مثلا- و گذراندن وقت در کلاس و سلف و کتابخانه (!) و روی نیمکت و آلاچیق ها و دسترسی به تارنمای فراخوانده شده امکان پذیر نمی باشد! آرمانی داریم؟

تصدیق بفرمائید که قریب به اکثر ما جز گذراندن ترم برای پاس کردن واحد های درسی هدفی نداریم تا بعد از چهارسال با مدرک کارشناسی به هزار امید و آرزو خانواده ای تشکیل دهیم و شغلی و کسب و کاری و یا صندلی کارمندی - که اگر ژن برتری باشید- و گذران زندگی و همین! و آیا آرمان و آرمان خواهی همین هاست؟

مسلمنا پاسخ منفی است پس بگذارید در ۱۶ آذر یعنی روز خودمان نکاتی را در مورد آرمان هایمان بازخوانی کنیم تا مصداق (دانشجو باید سبب زمینی نباشد) باشیم:

آرمانها چیست؟ رسیدن به جامعه ی عادل، جامعه ی آزاد، جامعه ی پیشرفته، جامعه ی مؤمن، جامعه ی متعبد، جامعه ی مرفه، جامعه ی متحد، جامعه ی قوی و مستحکم، جامعه ی مستقل؛ اینها آرمان است. ارزش دارد که انسان جانش را در راه این آرمانها، برای خاطر خدا [بدهد]

در تمام دورانهای مختلف، در طول انقلاب، حوادث گوناگون، لحظه های حساس و خطیر، حضور دانشجویان مؤمن، متعهد، عدالتخواه، باگذشت، توانسته فضا را در جهت صحیح هدایت کند. ■

و این یعنی آرمان داشتن و آرمانی فکر کردن. اما برای آرمانی عمل کردن باید ضد استکبار بود؛ ضد فساد، ضد اشرافیگری، ضد حاکمیت تجمل گرایانه و زورگویانه و ضد گرایش های انحرافی؛ اینها خصوصیات جنبش دانشجویی است. باشد که آرمان خواه باشیم و آرمانی عمل کنیم. ان شاء..



@H_shamsian



کمی تا قسمتی جدی! / نویسنده: حسین شمسین

یک تجربه خوب...!

مدت کوتاهی پس از انتشار عکس های حضور آنچنانی جهانگیری در چادر زلزله زدگان، مردم (تاکید دارم مردم نه فقط جریانی و جناحی خاص) با هر شکل و زبان ممکن، تفرعن جناب اسحاق را به چالش کشیدند. نتیجه، عذر خواهی آقای معاون بود. این ناشی از قدرت افکار عمومی و رسانه بی نظیر و البته ناشناخته ای است که اکنون در دست همگان است. چرا این الگو بی استثناء برای همه موضوعات بکار گرفته نشود؟ اکنون الی ماشالله دستگاه نظارتی و بازرسی و حراست و... داریم و وضع این است که می بینید! برای هر کدام از آن دستگاه ها هم باید ناظر و بازرسی درست کرد...! دور باطل تمامی ندارد!

مسئولان، فارغ از هر جناح و قوم قبیله ای، باید خود را زیر ذره بین افکار عمومی و مواجه با همه مردم ببینند، نه با دستگاه نظارتی که بتوان دلش را بدست آورد...!

در این بین چند نکته مهم وجود دارد:

تضعیف نظام

برخی می گویند چیزی نگویید چون نظام تضعیف می شود! یا الان موقعیت مناسبی نیست! فکر می کنم از این منظر، هیچکس به اندازه رهبر عزیز انقلاب در صدد تضعیف نظام نیست! چون می بینید که ایشان بی محابا و بدون کمترین اغمازی، درد دل ها و مطالبات مردم را در تریبون عمومی به مسئولین متذکر می شوند (حالا جلسات محرمانه را کاری ندارم) هیچ جناح و دستگاهی را هم مصون نمی گذارند. همانقدر که به دولت می گویند، قوه قضاییه را هم مورد بازخواست قرار می دهند (فرمایشات تیرماه امسال در دیدار با مسئولان قضایی را ببینید) پس نظام تضعیف نمی شود.

هرس

هرس باعث رشد و ثمر دهی بهتر درخت می شود. باغبان دلسوز، شاخه های اضافی را هرس می کند، اما دشمن باغ به دنبال هرس ریشه درخت است!! فرق ما با ضد انقلاب، فهم همین یک نکته است. هرکس اصل انقلاب و نظام را زد، هرکس ریشه نظام را زد، دنبال هدف دیگری است، بازی نخوریم و دنبالش راه نیفتیم.

استمرار و هم پوشانی

کار ممکن است همیشه سریع جواب ندهد، اما حتما جواب می دهد. صدای همدیگر را برای بهتر شنیده شدن، پوشش دهیم تا احساس تنهایی در این راه ارزشمند، کسی را مایوس نکند. یادمان باشد مقامات کشورهای دیگر، از ترس معاد و عذاب الهی دست از دزدی و خیانت بر نداشته اند! ترس از رسوایی در دادگاه افکار عمومی، بی آبرویی، رای نیاوردن و... مانع مهمتری است. حتی رشوه نگرفتن ناظران هم به این علت است نه به خاطر تقوا و پرهیزگاری!

یک کار ساده

دنبال حل مشکلات کائنات در یک حرکت نباشیم! حل یک موضوع یا حتی یک فرآیند ساده (ولی ناراضی کننده مردم) در یک دستگاه، گام موثری است. رهبری در همان سخنرانی تیرماه امسال، برای چهارمین بار موضوع بورسیه ها را به مسئولان قضایی تذکر دادند. به جای غر زدن، باید مطالبه کرد و مسئولان را در اتاق شیشه ای نشانند.

خنده ی تلخ ...



@Telegram

شنیدی هزار "نفر" از آلمان واردات داشتیم؟

+ جدی؟ آخرش از خارج مدیر وارد کردند، واسه مدیریت بحران!

- "هزار نفر شتر" رو وارد کردند.

آخوندی: قیام مردم برای بازسازی مناطق زلزله زده نیستیم!

گفتن اینجا موز میدن؛ ما هم اومدیم!

عملکرد صد روزه دولت روحانی:

کاپ اخلاق گرفتیم / بدهی های استقلال پرسپولیس رو دادیم / در قضیه زلزله همه کاره رو بین

سپاه و ارتش و بسیج تقسیم کردیم / نداشتیم رئیس بیاد دیوار بکشه / اقتصاد و برجام هم مهم

نیستن خودبه خود حل میشن / و از همه مهم تر ما!!!! از رکووود عبور کردیم.

قالیباغ و رئیس در شعارهای انتخاباتی: حداقل باید سالی ۱ میلیون شغل ایجاد کنیم

جهانگیری: کسی بگوید چند میلیون شغل ایجاد می کنم، معلوم است که می خواهد مردم را

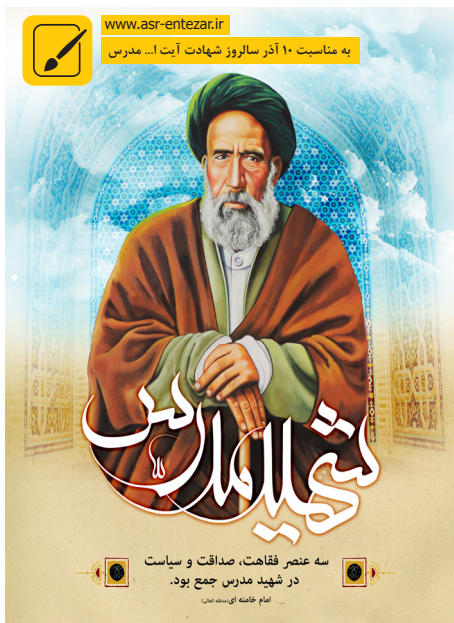
فریب دهد. (۴ اردیبهشت ۹۶)

جهانگیری: ۶ ماهه اول امسال، ۱.۵ میلیون شغل ایجاد کردیم! (۲۶ مهرماه ۱۳۹۶)



www.asr-entezar.ir

به مناسبت ۱۰ آذر سالروز شهادت آیت ا... مدرس



سه عنصر فقاقت، صداقت و سیاست
در شهید مدرس جمع بود.

انعام غفانه ای... به این



گردآوری و تنظیم:

معرفی کتاب / علی اولیایی

لیسانس نرم افزار کامپیوتر

علم بهتر است یا نفت؟!

بی مقدمه و حرف اضافه لطفا چند دقیقه وقت بگذارید و این متن انتخاب شده از کتاب نفحات نفتِ رضا امیرخانی را بخوانید...

کارخانه ی پژوی فرانسه ، در اوایل دهه ی هشتاد میلادی ، بعد از تولید نسل درخشان ۴ پژو شامل ۵۰۴ و ۴۰۴ در دهه ی هفتاد رسماً به خنس می خورد و تولیداتش مقبول نمی افتد و در بازار رقابت به دلایل فراوانی از جمله مصرف سوخت بالا کم می آورد. مدیران پژو دوره می افتند و در دانشگاه ها و فقط در پلی تکنیک فرانسه ، ۲۰۰ پروژه ی دانشجویی تعریف می کنند و شروع می کنند به تزریق پول در دانشگاه ها. ظرف مدت پنج سال ، پژوی ۴۰۵ را تولید می کنند که اتومبیل سال کلاس بی اروپا می شود که همان، هنوز بعد بیست سال ، سرجهازی صنعت خودروی ماست.

همین را مدل کنیم و برگردانیم به وطن. فرض کنیم ایران خودرو مثلاً دچار بحران شود . تولیداتش در بازار رقابتی کم بیاور...

همین جا صبر کنیم. کدام بازار رقابتی؟ رقابت با اتومبیل داخلی؟ شرایط تولید با مدیریت دولتی در همه ی کارخانه ها شبیه به هم است، قبلاً رقیب بودند، حالا که در دولت مهرورزی رقیق هم شده اند! و با این رفاقت چه جای رقابتی می ماند؟ دوباره فرض کنیم که این بار در رقابت با اتومبیل خارجی؛ اصالتاً در ورود خودرو خارجی ، چیزی وجود دارد به اسم تعرفه ی گمرکی و این تعرفه جوری تنظیم میشود که ایران خودرو در بازار رقابتی کم نیاورد!

پس بگذار همان قصه ی تولید علم بومی فرانسوی برای طراحی پژوی ۴۰۵ را مدل نکنیم و جور دیگری برش گردانیم به وطن. فرض کنیم ایران خودرو به هر دلیل به خاطر تولیدات ضعیفش - خدا به دور فرض مثال - دچار مشکل شود و خریدار پیدا نشد... البته خریدار را با چیزی به اسم ستاد تنظیم بازار خودرو وادار خواهیم کرد تا تو صف بیاستد و خودرو را با سلام و صلوات تحویل بگیری.

به هر رو فرض محال که محال نیست. فرض محال (!) کنیم به دلیل ضعف کیفیت تولید، کسی محصول ایران خودرو را مثل پژوی ۵۰۴ دهه ی هفتاد فرانسه نخرد. حالا منتظریم تا مثل همان دوره ی فرانسه، ایران خودرو برود در امیرکبیر و شریف و صنعتی اصفهان و ...

پروژه پخش کند و ... اما در عمل چه اتفاقی می افتد؟ هیچ! مدیر ایران خودرو می رود خدمت مقام اجرایی بالادست. توضیح می دهد که ایران خودرو سه برابر کارخانه جات هم آرز کارگر استخدام کرده است- تا ضریب اشتغال کشور را بالا ببرد- و اصلاً شهرکی درست شده است به نام پیکان شهر برای اسکان همین نیروها. این کارگران به دلیل مطالبات معوقه، همین روزهاست که بریزند و جاده ی تهران- کرج را رسماً ببندند و این یعنی بحران شهری و بحران شهری هم یعنی مطبوعات و مطبوعات هم یعنی تضعیف نظام و ... خلاصه ی کلام، مقام اجرایی بالادست هم که حوصله ی این همه براندازی را ندارد، کمی شیر نقت ورودی به ایران خودرو رو باز می کند و جلو این همه بحران را به سرانگشت تدبیر می گیرد! بعد باز هم اتومبیل بی کیفیت آلوده کننده ی محیط زیستی میسازیم ، با قیمتی بسیار بالاتر از قیمت جهانی... ■

یعنی مدیریت ما در ناکارآمد ترین و پرهزینه ترین شیوه ی ممکن است ؛ حال این مدیریت فشل را بگذارید در کنار سیاست های اقتصاد مقاومتی آنجا که در تشریح آن میگوید:

یکی از سخت ترین آسیب های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول دهها سال مایه ی فروریختگی های اقتصادی و فروریختگی های سیاسی و اجتماعی شد؛ باید ما یک فکر اساسی بکنیم. ما نمیگوییم از نفت استفاده نشود، [بلکه] تکیه ی ما بر استفاده ی حداقلی از فروش نفت خام است؛^۱ ■

و این یعنی یک اشکالی هست! کاش مسئولین و مدیران ما - و نه همه ی ایشان که قریب به همه- در هر سطح و از هر جناحی ، از بالادست تا همین حوالی دانشگاه ها کمی به فکر تولید علم بومی بودند و جای تکرار مدیریت های فشل نفتی و شعارهای ۱۰۰ روزه و امید بستن به قراردادهای و معاهدات بی فرجام! و تصویب قوانین ضد من به غاز و حقوق های مادام العمر! و نجومی! از ظرفیت دانشگاه و دانشجو و جوانان استفاده می کردند بلکه گشایشی شد!

۱- بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی در حضور جمعی از مسئولان دستگاه های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه ای و نظارتی

۱۳۹۲/۱۲/۲۰

پی نوشت:

اگر مایلید در باب فرهنگ نفتی و مدیریت دولتی بیشتر آشنا شوید کتاب نفحات نفتِ رضا امیرخانی را مطالعه کنید.

